

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۹  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی  
سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴

## تحلیل آیات مهدوی در پرتو روایات تفسیری

مهدی حسینیان قمی<sup>۱</sup>

### چکیده

پیش‌تر درباره چهار آیه از آیات مهدوی و روایات تفسیری آن گفت‌وگو کردیم و به تحلیل آیات و روایات تفسیری ذیل آن پرداختیم و استحکام روایات تفسیری امامان علیهم‌السلام را نشان دادیم. در این نوشتار، برآنیم به دو آیه دیگر از آیات مهدوی و روایات تفسیری آن پردازیم؛ ولی پیشاپیش مقدمه‌ای نه‌چندان کوتاه پیرامون ضرورت تحلیل روایات مهدوی و دفاع از آن، با عنوان «دفاع از روایات مهدوی» و «تحلیل روایات مهدوی» خواهیم داشت، آن‌گاه در ادامه بحث از آیات و روایات تفسیری مهدوی، به آیات پنجم و ششم می‌پردازیم.

### واژگان کلیدی

آیات مهدوی، روایات مهدوی، تفسیر، حدیث، روایات تفسیری.

---

۱. استاد حوزه علمیه قم (mohadas14@mihanmail.ir).

## مقدمه

## دفاع از روایات مهدوی

توجه به مجموعه روایات مهدوی در راستای پرداختن به مسائل مهم مرتبط با مهدویت، مبنای پژوهش‌ها و مهم‌ترین وظیفه ماست. بنابراین باید این مجموعه روایات را درست شناخت و از آن در مباحث متنوع مهدویت بهره برد و الهام گرفت؛ ولی بسیاری قدر این مجموعه را نمی‌دانند و آن‌گونه که بایسته و شایسته است از این روایات بهره‌مند نمی‌شوند. جای شگفتی است که حتی برخی از محققان گاه به بهانه‌هایی از این مجموعه فاصله می‌گیرند.

نگارنده وظیفه خود می‌داند که از این مجموعه روایی عمیقاً دفاع کند و به شبهاتی که در ارتباط با مجموعه روایات مهدویت مطرح می‌شود، پاسخی در خور دهد.

در این جا به برخی از شبهات کلی مطرح پیرامون روایات مهدویت اشاره می‌کنیم:

۱. روایات مهدویت یا بخش‌های مهمی از آن در محورهای جعل قرار دارد و این جهت پذیرش این مجموعه را با مشکل مواجه می‌سازد.
  ۲. بخش‌هایی از روایات مهدویت مورد سوءاستفاده افراد و گروه‌هایی قرار می‌گیرد و به همین دلیل باید از مطرح‌سازی آن‌ها فاصله گرفت.
  ۳. در این بخش از روایات تهذیب و تمحیص و پالایش صورت نگرفته و از این نظر این روایات پیراسته نیست.
  ۴. این مجموعه از روایات بیشتر به مباحثی می‌پردازد که مربوط به آینده و از دسترس فهم ما دور است.
  ۵. بخش عمده‌ای از روایات مهدویت ضعیف است و از گردونه اعتبار خارج است.
  ۶. روایات مهدویت مربوط به امروز ما نیست و آن‌چه وظیفه است پرداختن به مسئولیت امروز ماست.
  ۷. مباحث مهدوی مباحث عقیدتی است و در مباحث عقیدتی خبر واحد کارگشایی ندارد و ما نیازمند خبر متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه قطعیه یا خبر واحد اطمینان‌آفرین هستیم؛ چرا که در مباحث عقیدتی علم و یقین لازم است و روایات ما اکثراً خبر واحد است.
- این‌ها نمونه‌ای از شبهات کلی بود ولی روشن است که شبهات دیگری نیز در بخش‌های

گونگون روایات مهدویت به طور ویژه مطرح شده که باید به پاسخگویی از آن شبهات نیز پردازیم.

وظیفه خود می‌دانیم که مجموعه روایات مهدویت را بهتر بشناسیم و در جهت ارائه آن بیشتر تلاش کنیم و یکی از مهم‌ترین مباحث امروز را پرداختن به مسائل مهدویت و روایات آن می‌دانیم.

همچنین بر این باوریم که مجموعه روایات شیعه در کتب معتبر شیعی قابل دفاع است و اعتبار آن‌ها را عالمان شیعه با شیوه‌های روشنی به اثبات رسانده‌اند، و دست تحریف و جعل را در طول تاریخ از این مجموعه دور نگاه داشته و به حداقل رسانده‌اند و در سایه این تلاش‌ها امروز میراث بزرگ روایات مهدویت، پیام‌های مهدوی را رسا به همه می‌رساند و در سرشارسازی مباحث مهدوی سرآمد و کارساز است.

مجموعه‌ای پاک، پیراسته، مهذب و کارساز در خدمت عالمان شیعه قرار گرفته که راه آینده بشر را در برابرش می‌گشاید و او را برای آینده‌ای روشن می‌سازد.

این مجموعه روایی بر مبنای پذیرفته شده عقلاء مجموعه‌ای معتبر و قابل پذیرش است و اکثریت فقیهان، عالمان و محققان شیعه بر آن تأکید دارند.

آینده جهان مربوط به همه انسان‌هایی است که امروز زندگی می‌کنند و اینان هستند که باید این آینده روشن را با الهام‌گیری از وحی بسازند و روایات مهدویت نگاه روشنی به این آینده روشن دارد.

در جهت تبیین مجموعه روایات مهدویت و دفاع از بخش‌هایی از این مجموعه که مورد بی‌مهری قرار گرفته تلاش خواهیم کرد و از همه کارشناسان حوزه حدیث و متخصصان مباحث مهدویت به ویژه مصرانه می‌خواهیم که پیشنهادها و نظریات خود را با ما در میان بگذارند و ما را در راه رسیدن به این هدف بزرگ یاری رسانند.

### تحلیل روایات مهدوی

متأسفانه رجوع ناشایست به روایات مهدوی به انکار بسیاری از روایات مهدوی انجامیده است.

صاحب کتاب *مشرعة بحارالانوار* از چند جلد *بحار* که حدود هزار روایات مهدوی را در خود دارد تنها حدود نود روایت را پذیرفته است و باقی‌مانده (حدود نهصد روایت) را به دلیل عدم اعتبار سند یا عدم صحت مفاد مردود دانسته است.

شاید برخی، روایات مهدوی را یکی از محورهای جعل در روایات می‌دانند و شاید در این روایات اساس را بر جعلی بودن می‌گذارند و سخت‌گیری شدیدتری در پذیرش روایات مهدوی از خود نشان می‌دهند.

رجوع عده‌ای به روایات مهدوی در مرحله اول، با بحث‌های سندی شروع می‌شود و به راحتی اکثر روایات مهدوی را از اعتبار و حجیت می‌اندازند و بر مبنای اقلیت عالمان شیعه وثاقت راوی و اعتبار سندی را راه اعتبار روایت می‌دانند.

در نظر اینان چیزی از روایات مهدوی باقی نمی‌ماند به علاوه اگر در مفاد هم بخواهند سخت‌گیری کنند و تا دیدند که روایت با چیزی ناسازگار است آن را جعلی اعلام کنند؛ ولی روشن است که مبنای اکثریت قاطع عالمان و محققان شیعه همان مبنای اعتبار و حجیت خبر موثوق به است و راه‌های اعتباریابی روایات بسیار فراوان است و منحصر به اعتبار و وثاقت سندی نیست، این حقیقت را در مقالات خود روشن ساخته‌ایم.

مشکل دیگر این رجوع غیرمحققانه به روایات آن است که روایات اهل سنت را با روایات شیعه می‌آمیزند و مخلوط می‌کنند و شاید همین امر باعث شده که در مقام نقد روایات هم این خلط صورت می‌گیرد. با این که عالمان شیعه در طول تاریخ دقت داشته‌اند که این خلط و آمیزش صورت نگیرد مگر در برخی از ابواب آن هم با دلایلی که دارد.

مشکل دیگر این رجوع غیرمحققانه به روایات آن است که مراجعه کنندگان در رشته‌های دیگر کار کرده‌اند و تا حدودی خبره شده‌اند البته اگر شده باشند، ولی در قرآن و حدیث و فهم این دو و آشنایی با فرهنگ روایات خبره و کارگشته نیستند.

اینان از بیش از صد هزار روایت که داریم کمی می‌دانند با مجموعه‌های متنوع روایی از نزدیک آشنا نیستند به راحتی کتاب‌ها را نمی‌پذیرند و در نتیجه به سادگی روایات را توجیه می‌کنند و بر آن چه در رشته‌های دیگر خوانده‌اند تطبیق می‌دهند.

در حقیقت این رجوع به قرآن و حدیث نیست که تطبیق آن‌ها بر یافته‌ها و بافته‌های خودشان است، باید در قرآن و حدیث سال‌ها کار کرد و از نزدیک با یک کار مستمر و مداوم و طولانی با این دو آشنا شد.

چند سالی در ابتدای طلبگی نگاه به قرآن داشتن کافی نیست باید استاد دید و از استادان ماهر در این زمینه بهره جست، باید کاری پی‌گیر در این رابطه داشت و این مجموعه گسترده را زیر نظر داشت. سخن در این جا فراوان است که باید در جای خود مطرح شود. در هر حال

ماییم و این رجوع غیرمحققانه به روایات مهدوی.

در این رجوع دسته‌های گوناگونی از روایات مهدوی از دور خارج می‌شود و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ما این دسته‌ها را مشخص می‌سازیم و برآنیم که از این روایات دفاع کنیم.

### ۱. روایات آشتی درندگان

روایاتی که می‌گویند در زمان حکومت حضرت حیوانات درنده با هم در صلح و آشتی زندگی می‌کنند و گرگ و میش در کنار هم قرار می‌گیرند.

### ۲. روایات ایمان همه مردم

روایاتی که می‌گویند در زمان حکومت حضرت همه مردم ایمان می‌آورند و همه صالح می‌گردند یا حداقل اکثریت قریب به اتفاق.

آشتی حیوانات درنده و یک دست شدن مردم از حیث ایمان و شایستگی که مفاد این دو دسته از روایات مهدوی است مورد طعن قرار گرفته و کتاب *مشرعة بحارالانوار* آن‌ها را جعلی و باطل دانسته است. با این که این دو حقیقت از زیبایی‌های این روایات و از نکات برآمده روایات مهدوی است.

در *مشرعة بحارالانوار* آمده که خوی درندگی در حیوانات درنده غریزه و طبیعت آنان است و در طول تاریخ از روز اول تا به امروز در حیوانات درنده بوده است. چه معنا دارد که در زمان حکومت حضرت تبدیل به صلح و آشتی شود و گرگ و میش در کنار هم زندگی کنند. در این روایات می‌خوانیم: «و اصطاحت السباع» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۱۶) و باز آمده که «ما من کافر الا آمن و لا طالح الا صلح» (همو: ۲۸۰).

روایاتی که می‌گویند حضرت با شمشیر قیام می‌کند (يقوم بالسيف - نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹) امام می‌جنگد و به دشمنان امان نمی‌دهد. هشت ماه شمشیرش بر دوشش خواهد بود (یضع علی عاتقه السیف ثمانية اشهر - همو: ۱۶۴).

این روایات از صدها روایت متجاوز است، در بسیاری از روایات مهدوی این حقیقت دیده می‌شود. البته باید قهر و مهر حضرت در کنار هم مطرح گردد و روشن شود که با چه کسانی با قهر برخورد می‌کند، ولی هرگز نمی‌توان این بُعد را نادیده گرفت.

برخلاف برخی که می‌پندارند قهری در کار نیست و روایات جنگ و کشت و کشتار جعلی است. مؤلف جزوه نسیم رحمت این روایات را ضعیف و جعلی معرفی می‌کند، دیگران هم بسیار

دیده شده که روی خوشی با این روایات ندارند.

### ۳. روایات قضاوت داودی حضرت

روایاتی که می‌گوید حضرت در زمان حکومتش مانند حضرت داود علیه السلام حکم می‌کند و شاهد و بیته نمی‌خواهد.

باز در این زمینه نویسنده «نسیم رحمت» این دسته از روایات را نمی‌پذیرد و آن‌ها را برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

انما اقضى بينكم بالبينات و الايمان؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۴۱۴)  
تنها میان شما با بیته و سوگند داوری می‌کنم.

بی‌گمان شرایط زمان حضرت به گونه‌ای است که قضای به علم و شیوه قضای داودی جایگاه پیدا می‌کند و این از زیبایی‌ها و نکات مثبت حکومت حضرت است. در مقاله‌ای از این روایات دفاع کرده‌ایم، ولی باید بیش از این به این روایات بپردازیم و عمق والای آن را رو کنیم.

### ۴. روایات علائم ظهور

این دسته از روایات هم از کارسازترین و راه‌گشایترین روایات مهدوی است. تا آن جا که امام می‌فرماید:

و کفاکم بالسفیانی علامة. (همو: ج ۸، ۲۶۴)

از جهت علامت سفیانی برای شما علامت خوبی است و کفایت می‌کند. ولی دسته‌ای به این روایات بی‌اعتنا می‌شوند و هرکدام دلیلی دارند.

برخی چون روایات مهدوی و به ویژه علائم ظهور را محور جعل می‌دانند این روایات را به سادگی نمی‌پذیرند و خود را از این روایات محروم می‌سازند و برخی گویا می‌گویند: ما برای تشخیص حق از باطل ملاک و مبنا و معیار داریم، آن‌ها را به کار می‌گیریم و نیاز جدی گویا به روایات علائم ظهور نیست.

برخی روایات علائم ظهور را آشفته و بهم ریخته و در تعارض با هم می‌بینند و از این جهت از این روایات به طور کلی گویا دست می‌شویند، غافل از این که توجه به این روایات بسیار ضروری است و فهم و هضم این روایات بسیار کارساز است و شاید اوضاع چنان بهم می‌ریزد که

راه‌گشایی این علائم در زمان خودش نمایان می‌شود و شاید معیارها و ملاک‌ها هم به هم ریزد و این علائم دستگیر خوبی در زمان خود باشد. توجه به این روایات ضروری است و باید از این روایات دفاع شود.

در سایه بررسی روایات علائم ظهور که در حدود شاید چهارصد روایت است گذشته از دست‌یابی به علائم، حکمت‌های بازگویی علائم و آثار ارزشمند توجه به این علائم روشن می‌شود.

در ارتباط با موضوع همایش دکترین مهدویت، مجموع روایات علائم ظهور را گرد آورده‌ایم و ارائه کرده‌ایم تا بیشتر با روایات علائم ظهور آشنا شویم و به اعتبار و مفاد روشن آن نزدیک‌تر شویم.

#### ۵. روایات مهدوی و امدادهای غیبی

برخی هنگامی که سخن از امدادهای غیبی عصر ظهور می‌شود با بی‌اعتنایی می‌گویند: اگر مبنای امداد غیبی بود که از روز اول هم درست می‌شد. این هنری نیست که امام با کمک‌های غیبی انجام می‌دهد، غافل از این که حکومت یک حکومت جهانی است که در پهنه گیتی گسترده می‌شود و آن هم در اوج و نهایت قدرت و شایستگی چنین حکومتی قطعاً نیازمند امدادهای غیبی است و این هیچ از ارزش فعالیت‌های امام و یاران او نمی‌کاهد؛ به این روایات نیز باید پرداخت.

#### ۶. روایات مدت حکومت حضرت

برخی مدت حکومتی را که روایات برای زمان ظهور معین کرده‌اند کم می‌دانند و قانع به نه سال و هفت سال و چهل سال و بیش از صد سال نیستند؛ می‌گویند: باطل از ابتدای تاریخ تا به امروز تقریباً همیشه حاکم بوده و باید قاعدتاً حکومت حق پایانی معادل همه تاریخ از حیث زمانی باشد. غافل از این که...

#### ۷. روایات مهدوی و کشتن نسل بنی‌امیه در زمان ظهور

در این زمینه هم روایاتی است که مورد مناقشه قرار گرفته است.

در روایت آمده که نسل بنی‌امیه به دلیل رضایت‌شان به کارهای پدران‌شان در زمان امام کشته می‌شوند، ولی این‌ها می‌گویند: این صحیح نیست، صرف رضایت موجب جواز کشتن نمی‌شود. یا این که اصلاً از بنی‌امیه امروز خبری نیست و نسل بنی‌امیه‌ای در کار نیست (گویا

که نسب‌شناس هستند و همه انسان‌ها را می‌شناسند).

هرچند به این مسائل در مقاله‌ای پاسخ داده‌ایم، ولی باید اساسی‌تر به این دسته از روایات پرداخت و روشن ساخت که رضایت چگونه و در کجا می‌تواند راضی را مجرم سازد. امیرمؤمنان در مواردی به این نکته اشاره دارند. باید کار بیشتر کرد و از این روایات دفاع نمود.

#### ۸. روایات مهدوی در تفسیر آیات مهدوی

روایات بسیاری در تفسیر آیات مهدوی آمده که باز چون ما با شیوه تفسیری امامان درست آشنا نیستیم و در دست‌یابی به مفاد آیات قرآنی با شیوه و راه امامان کمتر کار کرده‌ایم، می‌پنداریم که این آیات با مفاد مهدوی که روایات برای آن‌ها بیان می‌دارد ناسازگار است. از این رو این روایات تفسیری مهدوی به سان همه روایات بسیار مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند و از آن‌ها در تفسیر آیات مدد گرفته نمی‌شود.

در مقالاتی به این روایات مهدوی در تفسیر آیات پرداخته‌ایم و به تحلیل آن نشستیم. این کار باید گسترده‌تر مطرح شود که روایات مهدوی در کنار آیات مهدوی مفاد درست خود را ارائه کند و پرده از مفاد زیبای آیات مهدوی برگردد. هم‌اکنون پس از این مقدمه، دو آیه دیگر از آیات مهدوی را در این مقاله می‌آوریم.

#### آیه پنجم از آیات مهدوی

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ \* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۲ - ۳۳)

آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند. او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

مشابه این دو آیه در سوره صف آیه ۸ و ۹ آمده است تنها با دو تفاوت: ۱. به جای ﴿وَيَأْبَى﴾ الله إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ» آمده ﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾. ۲. به جای ﴿أَن يُطْفِئُوا﴾ آمده ﴿لِيُظْهِرُوا﴾. گفتنی است در سوره فتح آیه ۲۸ آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾.

با دقت در آیه و روایات تفسیری روشن می‌شود که این آیه از آیات روشن مهدوی است تا

جایی که می‌توان گفت نیاز به بیان ندارد.

این آیات تصریح دارد که اینان می‌خواهند تا نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند ولی در برابر خداوند می‌خواهد نور خویش را کامل و تام سازد گرچه کافران نخواهند و باز همین حقیقت در آیه بعدی مصداقی توضیح داده می‌شود؛ چرا که در آیه قبلی به طور کلی بیان شده بود و می‌فرماید:

خداوند همان است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را (و یا آن را) بر همه دین‌ها پیروز گرداند، گرچه مشرکان نخواهند.

آیات از اراده الهی پرده برمی‌گیرد؛ همان اراده که در پایان روزگار تحقق می‌یابد و همان حکومت عدل جهانی که در نهایت در اوج محقق می‌گردد.

نور خدا همان گونه که بر شخص پیامبر ﷺ صادق است، بر شخص وصی او امیرمؤمنان علیه السلام و اوصیایی از فرزندان او نیز صادق است؛ آن گونه که بر قرآن هم صادق خواهد بود و هدایت و دین حق همان گونه که بر قرآن صادق است بر همه معارف دینی از ابتدا تا نهایت آن صادق است؛ آن گونه که بر ولایت و امامت علی علیه السلام و امامان از فرزندانش کاملاً صادق است؛ چرا که امامت و ولایت اینان پایه و اساس همه دین است، همه دین از این‌ها به دست می‌آید و آموخته می‌گردد.

در نتیجه به راحتی از این آیات اوج پیروزی دین اسلام و حاکمیت آن در پهنه گیتی و چیرگی آن بر همه ادیان در برابر کراهت و ناخشنودی کافران و مشرکان به دست می‌آید؛ چرا که این اراده الهی است.

به راحتی از این آیات می‌فهمیم که دشمنان اسلام در برابر حاکمیت اسلام و امامان اسلام می‌ایستند و تلاش می‌کنند تا این حاکمیت تحقق نیابد، ولی اراده حق در نهایت تحقق می‌یابد و پهنه گیتی صحنه حاکمیت خدا و دین او و حجت‌های او می‌شود و دیگران و ادیان‌شان همه نابود می‌گردند.

روشن است که این حقیقت مورد توجه، این دو آیه را به مهدویت پیوند می‌دهد و از آیات مهدوی می‌سازد آن گونه که روایات ما نیز در تأیید این ارتباط بیان‌های لازم را ارائه کرده‌اند.

#### آمار روایات تفسیری این آیه

در تفسیر البرهان درباره آیه ۳۳ سوره توبه هفت روایت آمده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۷۶۹-۷۷۰)، ولی در تفسیر نور الثقلین درباره هر دو آیه سوره توبه جمعاً ۱۲ روایت آورده است (عروسی

حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۱۰-۲۱۳). البته برخی روایات *نورالثقلین* در *تفسیر البرهان* آمده، ولی بخشی تکراری نیست و ظاهراً دو روایت در *نورالثقلین* دیده شد که در *البرهان* هم آمده بود، ولی ده روایت دیگر در *تفسیر البرهان* نیامده است. بنابراین جمعاً حدود هفده روایت پیرامون دو آیه مورد بحث آمده است.

در ذیل دو آیه سوره صف باز در *نورالثقلین*، شش روایت آمده که حدود سه‌تای آن‌ها تکراری است (همو: ج ۵، ۳۱۶-۳۱۸). در *تفسیر البرهان* در سوره صف در ذیل هرکدام از این دو آیه روایاتی آمده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۳۶۴-۳۶۷).

در ذیل آیه ۸ چهار روایت و در ذیل آیه ۹ شش روایت، البته بیشتر روایات تکراری است. در سوره توبه و در *نورالثقلین* آمده است که حداقل سه روایت در این میان شاید جدید باشد و مجموع روایات ما به بیست روایت برسد و این مجموعه‌ای بسیار خوب برای تفسیر این دو آیه، باید است. در این روایات باید بسیار دقت کرد و آیه را بر این اساس تفسیر نمود.

در کتاب *معجم احادیث المهدی* علیه السلام در ذیل آیات سوره توبه حدود ۱۵ روایت، ۱۰ روایت شیعی و پنج روایت سنی (کورانی، ۱۳۸۶: ج ۸، ۱۲) و در ذیل سوره صف ۲ روایت آمده (همو: ۲۷-۲۸)، البته برخی جدید است و به آن مجموعه باید اضافه شود.

در ابتدا اشاره‌ای کوتاه به بیان مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌کنیم و سپس مجموعه روایات تفسیری این آیات مهدوی را می‌آوریم، با دقت شایسته همراه شویم که درست حقیقت و عمق این آیه‌ها را بشناسیم.

علامه طباطبایی در آیات سوره توبه سه حرف دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ۲۴۶):

۱. در این باره که آیا در زمان حضرت مهدی علیه السلام و پایان دنیا و حکومت عدل جهانی اهل کتاب هستند و از آنان جزیه گرفته می‌شود یا جز مسلمان در آن زمان نیست. ایشان به اختلاف روایات در این زمینه اشاره می‌کنند و از آیات نیز در این زمینه بهره می‌گیرد.

۲. ایشان تعبیر تفسیر قمی را که می‌گوید: «انها نزلت فی القائم من آل محمد علیهم السلام...» به این شکل توضیح می‌دهد:

و معنی نزوها فیه کونه تأویلها؛

منظور از نزول آیه درباره حضرت قائم علیه السلام همان تأویل آیه به حضرت است.

علامه طباطبایی علیه السلام روایت شیخ صدوق علیه السلام را که در *تفسیر برهان* آمده دلیل بر این نظر خویش می‌داند. در آن روایت آمده که حضرت صادق علیه السلام درباره آیه فرمود:

والله ما نزل تأويلها بعد ولا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم... (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۷۷۰)

گفتنی است در *نورالتقلین* هم در سوره توبه و هم در سوره صف روایتی از *اصول کافی* آمده است که در آن امام کاملاً آیه را به حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده‌اند. راوی پس از تطبیق از امام می‌پرسد:

هذا تنزيل قال نعم اما هذا الحرف فتنزيل واما غيره فتأويل؛ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۱۲ و ج ۵، ۳۱۷)

آیا این تنزيل است: حضرت می‌فرماید: آری این حرف تنزيل است و تأویل غیر آن است.

۳. مرحوم علامه در سوره صف درباره بحث روایی می‌نویسد:

و هناك روایات واردة في قوله تعالى ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَقوله هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾ تذكران النور والهدى ودين الحق ولاية اميرالمؤمنين عليه السلام وهي من الجرى والتطبيق او من البطن وليست بمفسرة. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ۲۵۷)

آن گونه که ملاحظه می‌کنید ایشان این بیان امامان را یا تأویل یا بطن آیه گرفته‌اند و در این جهت نیز نیاز به دقت است.

### نکات تفسیری

۱. ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ و ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ نور را با دهانشان می‌خواهند خاموش کنند.

در کلمات برخی از مفسرین آمده که با دمیدن و پُف دهان می‌خواهند نور خدا را خاموش سازند.

۲. ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ ضمیر لیظهره یا به رسول برمی‌گردد یا به دین.

علامه رجوع ضمیر را به دین ترجیح می‌دهد. دلیل ایشان نزدیکی ضمیر به دین است.

۳. ضمیر «یریدون» چه در سوره توبه و چه در سوره صف، به اهل کتاب اعم از یهود و نصارا برمی‌گردد. اینان می‌خواهند تا نور خدا را با دهانشان خاموش کنند.

۴. این آیات به مؤمنان نوید پیروزی می‌دهد و از آنان می‌خواهد که با کفار بجنگند و بدانند که پیروزند.

۵. اتمام نور چیزی مشابه عدل و قسط جهانی و فراگیر شدن اسلام در دنیا و گستردگی نام خدا در پهنه گیتی است. به جمله ﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ یا ﴿يَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ﴾ توجه کنید.

۶. ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ آیا چیرگی و غلبه استدلالی است یا چیرگی خارجی و نابودی ادیان دیگر.

در تفسیر نمونه پس از استظهار پیروزی ظاهری و بیرونی با توجه به آیاتی که این واژه در آن‌ها به کار رفته است می‌نویسد:

به هر حال صحیح‌ترین است که پیروزی و غلبه فوق را غلبه همه‌جانبه بدانیم زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ۳۷۲)

به نظر ما چیرگی استدلالی که از اول حاصل است منظور از این چیرگی در خارج و بیرون است که حاکمیت اسلام را می‌رساند بعداً دیدیم که فخر رازی در تفسیرش همین را گفته است. وی می‌نویسد:

واعلم ان ظهور الشی علی غیره قد یکون بالحجة و قد یکون بالكثرة و الوفور و قد یکون بالغلبة و الاستیلاء و معلوم انه تعالی بشر بذلک و لا یجوز ان یشیرالا بامر مستقبل غیر حاصل و ظهور هذا الدین بالحجة مقرر معلوم فالواجب حمله علی الظهور بالغلبة. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۶، ۳۲)

آن‌گاه فخر رازی اشکالی را مطرح می‌کند که این بشارت هنوز تحقق پیدا نکرده، بعد جواب می‌دهد:

۱. بر همه ادیان در منطقه‌ای پیروز شد؛
  ۲. به روایات ابو هریره اشاره می‌کند که در آینده خواهد شد؛
  ۳. این حقیقت تنها در جزیره العرب تحقق می‌یابد که یافت؛
  ۴. پیامبر را بر همه دین واقف می‌سازد، لیظهره به این معناست؛
  ۵. لیظهره بالحجة و البیان.
- فخر رازی می‌گوید: این معنا را قبلاً تضعیف کردیم ولی می‌توان از آن به این شکل دفاع کرد که ابتدا شبهات بسیار شد و پراکنده گردید بعد در سایه حجت دین از بین رفت.

#### فهرست مجموعه روایات تفسیری این آیه

در البرهان و نورالتقلین با حذف تکراری‌ها، هفده روایت مربوط به آیات فوق آمده است؛ هشت روایت در البرهان و نه روایت در نورالتقلین.

#### البرهان

ج ۳، ص ۴۰۷، ح ۱؛

۲. ج ۳، ص ۴۰۷، ح ۲؛

۳. ج ۷، ص ۲۴۶، ح ۲؛

۴. ج ۳، ص ۵۲۶، ح ۱؛

۵. ج ۳، ص ۵۲۷، ح ۳؛

۶. ج ۳، ص ۵۲۷، ح ۴؛

۷. ج ۳، ص ۵۲۸، ح ۲؛

۸. ج ۳، ص ۵۲۸، ح ۳.

#### نورالثقلین

۹. ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱۱۷؛

۱۰. ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱۱۸؛

۱۱. ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱۱۹؛

۱۲. ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱۲۰؛

۱۳. ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱۲۱؛

۱۴. ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۱۲۳؛

۱۵. ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۱۲۴؛

۱۶. ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۱۲۶؛

۱۷. ج ۵، ص ۳۱۷، ح ۲۸.

#### معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام

در جلد هفتم این کتاب، ذیل آیه مورد بحث چهار روایت آمده است، به علاوه چند روایت دیگر از کتاب‌های اهل سنت:

۱. ص ۲۱۱، ح ۱؛

۲. ص ۲۱۳، ح ۱؛

۳. ص ۲۱۵، ح ۲؛

۴. ص ۲۱۷، ح ۱؛

۵. ص ۲۲۱، ح ۱ و ۲ (دو روایت از مدارک اهل سنت)؛

۶. و نیز ص ۲۲۳، ح ۱ (به نقل از مدارک اهل سنت).

تاکنون مجموعاً ۲۱ روایت از مجموعه‌های روایی شیعه دلالت داشت که مصداق روشن این

آیات زمان حضرت مهدی علیه السلام و نیز پس از ایشان در زمان رجعت است.

### متن کامل برخی از روایات مهم این مجموعه

۱. محمد بن العباس قال: حدثنا احمد بن هوذه، عن ابراهيم عن عبدالله بن حماد عن ابابصير قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل في كتابه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فقال: وانه ما نزل تأويلها بعد. قلت: جعلت فداك ومتى ينزل تأويلها قال: حين يقوم القائم ان شاء الله تعالى فاذا خرج القائم عليه السلام لم يبق كافراو مشرك الا كره خروجه حتى لو ان كافرا او مشركا في بطن صخرة لقاتل الصخرة: يا مؤمن في بطني كافراو مشرك فاقتله فيجى فيقتله. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۷، ۵۲۸، ح ۱، به نقل از تأویل الآيات، ج ۲، ۶۸۸، ح ۷؛ همو: ج ۳، ۴۰۷، ح ۱، به نقل از كمال الدين، ۶۰۷، ح ۱۶، باب ۵۸)<sup>۱</sup>

۲. محمد بن يعقوب عن علي بن محمد عن بعض اصحابنا عن ابن محبوب عن محمد بن الفضيل عن ابي الحسن الماضي عليه السلام قال: سألته عن قول الله تعالى ﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ﴾ قال: ﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا ولاية امير المؤمنين عليه السلام بِأَفْوَهِهِمْ﴾ قلت ﴿والله مَتِّمُّ نُورِهِ﴾؟ ﴿والله مَتِّم الامامة لقوله عزوجل﴾ «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا» فالنور هو الامام، قلت «هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق» قال: «هو الذي امر رسوله محمد، الولاية الوصية والولاية هي دين الحق» قلت «ليظهره على الدين كله؟» قال «ليظهره على جميع الاديان عند قيام القائم عليه السلام» قال يقول الله عزوجل والله مَتِّم نوره بولاية القائم عليه السلام ولو كره الكافرون بولاية على قلت: هذا تنزيل قال: نعم اما هذا الحرف فتنزيل وانا غيره فتأويل. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۷، ۵۲۶، ح ۱ به نقل از كليني، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۳۸، ح ۹۱)<sup>۲</sup>

### آیه ششم از آیات مهدوی

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾  
(بقره: ۱۴۸)

به سوی خوبی ها سبقت گیرید. هرکجا که باشید خداوند همه شما را با هم می آورد. به درستی که خداوند بر هر چیزی تواناست.

در تفسیر البرهان در ذیل آیه، چهارده روایت آمده است (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۳۴۷). در این روایات آیه شریفه بر اصحاب حضرت مهدی علیه السلام همان سیصد و سیزده تن تطبیق داده شده

۱. نوادر الكتاب و نور الثقلين نیز این روایت را از كمال الدين در سوره توبه آورده اند.  
۲. نور الثقلين نیز از اصول کافی این روایت را در سوره توبه و نیز سوره صف آورده است.

است تا آن جا که در بسیاری از این روایات آمده که آیه در مورد اصحاب حضرت نازل شده است (فیهم نزلت).

هم اکنون سؤال این است که از کجای آیه این مفاد به دست می آید و این چگونه تطبیقی است؟

در تفسیرهای روایی گاه به برداشتی از معصوم علیه السلام دست می یابیم که در ابتدا با ظاهر قرآن گویا همساز نیست، به گونه ای که مفسران به شکلی دیگر و معصوم به گونه ای دیگر آیه را می فهمند؛ ولی با کمی تلاش و پی گیری و تأمل در روایت و آیه به زودی روشن می شود که برداشت معصوم و تفسیر او از آیه چقدر به آیه و مفاد آن نزدیک است و انسان مطمئن می شود که معنای مورد نظر معصوم بطن و باطن آیه نیست که حتی ظاهر آیه است.

آیه مورد بحث که در روایات ما بیش از ده مورد بر اصحاب ویژه حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده شده است و آیه به آنان تفسیر شده از همین آیات است.

ابتدا به نظر می رسد که آیه آن گونه که بسیاری از مفسران گفته اند در مورد حشر قیامت است که خداوند همه مردم را یک جا جمع می کند (اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً) و این صرفاً برای حساب رسی و جزادهی است، ولی با تأمل همان گونه که خواهید دید آیه کاملاً به اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام مرتبط می شود و معنایی ویژه می یابد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه العالی) در تفسیر نمونه در ذیل آیه این برداشت و تطبیق را باطن آیه دانسته و استخراج آن را ویژه پیامبر و امامان و کسانی که خدا بخواهد دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۰۱)، ولی برخی دیگر از مفسران با شیوه ای ویژه ظاهر آیه را به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده اند و برخی ...

در این میان مفسر قدرتمند و اسلام شناس توانمند حضرت آیت الله حاج شیخ علی صفایی حائری رحمته الله در کتاب *تطهیر با جاری قرآن* (تفسیر سوره بقره) از همه بهتر به آیه پرداخته و آیه را به گونه ای تفسیر کرده که کاملاً هماهنگ و همساز با روایات تفسیری ذیل آیه است.

بیان این قرآن شناس کار کشته را می بینید و سپس بیانات دیگر مفسران قدر را ملاحظه می کنید. ایشان به خوبی به حال و هوا و فضای آیه وارد شده و به مفاد آیه دست یافته است. البته باز باید بیشتر کار کرد و بهتر آیه را فهمید و جای این کار باقی است.

روح این مفسر ارزشمند که خوب به قرآن دل داده و خوب با قرآن انس گرفته و جداً در فهم قرآن ملهم و مؤید از سوی خداوند بوده، شاد باد!

در سایه بیان و توضیح ایشان و برخی دیگر از مفسران قرآن آیه کاملاً به روایات تفسیری ذیل آیه نزدیک می شود و اصالت و سلامت و اوج تفسیر امامان آشکار می گردد. حضرت آیت الله صفایی حائری رحمته الله علیه در *تطهیر با جاری قرآن* طبق شیوه تفسیری اش در سه مرحله به پرده گشایی از مفاد آیه پرداخته و زیبا توضیح داده که می نگرید. وی می نویسد:

... «الحق من ربك فلا تكونن من الممترین» چه توضیحی دارد و چه مناسبتی دارد که بر آن تفریح می شود؟ همین طور «فاستبقوا الخیرات» چه ارتباطی با «لكل وجهة هو مولیها» دارد؟ و چه نسبتی با «این ما تكونوا یأت بكم الله» برقرار می سازد؟ ... هرکدام از این امت ها و هرکدام از شما رو به جهتی دارد و با معرفت جهت و ظهور هدف باید به عمل روی آورد و به خیر چنگ زد و از خوشی ها به خوبی ها پناه برد و در این میدان، مسابقه گذاشت و با این سبقت، پراکندگی و جدایی نیست که در «اینما تكونوا یأت بكم الله جمیعاً» او همه را با هم می آورد. «و لكل وجهة هو مولیها» برای هرکس جهتی مطلوب و زیباست که او به آن روی آورده است و برای آن می کوشد که هدف ها، روش ها و رفتارها را هدایت می کند. هدف ها از هر عملی می توانند بهره مند شوند، اما هدف شما که عبودیت و قرب خداست تنها با خیر و خوبی نه با خوشی و هوس ها دست یافتنی است «فاستبقوا الخیرات» پس شما به سوی خوبی ها سبقت بگیرید و با توجه به هدف از همراهی یا تنهایی نترسید که در این مسابقه او همه را جمع می کند «اینما تكونوا یأت بكم الله جمیعاً» هرکجا که باشید شما را همگی می آورد «ان الله علی کل شی قدیر» به راستی خداوند با احاطه و نامحدودی، بر هر کاری تواناست. (صفایی حائری، ۱۳۸۰: ۲۲۰-۲۳۹)

#### آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن (ج ۱، ص ۱۳۷)

##### «و لكل وجهة هو مولیها»

لم أجد عن النبي و اهل البيت شيئاً في ذلك.

و يمكن تفسیر الآیة بالنظر فی سورة المائدة (مائدة: ۴۸) فی قوله تعالی «لكل وجهة هو مولیها» و يمكن تفسیر الآیة بالنظر فی سورة المائدة (مائدة: ۴۸) فی قوله تعالی «لكل وجهة هو مولیها» و يمكن تفسیر الآیة بالنظر فی سورة المائدة (مائدة: ۴۸) فی قوله تعالی «لكل وجهة هو مولیها»

فالمعنى والله العالم ولكن من الامم الذين شرع الله لهم احكاماً شريعة و لاه الله اياها و أمره باتباعها ما لم تنسخها الشريعة و الوجهة التي بعدها فيولى الله الناس اياها.

##### «فاستبقوا الخیرات»

و جاء قوله فاستبقوا متعدياً الى المفعول بنفسه هاهنا و في آية الانعام و في سورة يوسف.

«واستبقا الباب» و في سورة يس «فاستبقوا الصراط» ولو كانت بمعنى الاستباق و طلب السبق بكسر السين لوجب تعديتها بالي و النصب بنزع الخافض في مثل المقام بعيد من كرامة القرآن في عربية و فصاحته

فالوجه انها في هذه الموارد من طلب السبق بفتح السين و الباء و هو ما يحصله السابق بسبقه و منه السبق المجعول في رهان المسابقة و في جعل الخيرات و الباب و الصراط في الآيات سبقاً بفتح السين و الباء كناية لطيفة عن أنه هو الغاية المطلوبة و الفائدة المقصودة في المسابقة و حاصل المعنى العالم لكل امة شريعة امرت باتباعها و قد نسخ بعض الشرايع فسارعوا الى الحق و اطلبوا ان تكون خيرات الاحكام و هي التي لم تنسخ و جاء بها الكتاب الذي يهدى للتي هي أقوم هذه اطلبوها سبقاً لكم و الغاية الشريفة من مسارعتكم و ما هي الا شريعة رسول الله و القرآن الكريم و من ذلك و أهم مصاديق الخيرات هي الولاية كما عن الكافي عن الباقر عليه السلام كما في آية انما وليكم و حديثي الغديرو الثقليين و غير ذلك «أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعاً ان الله على كل شئ قدير» و باعتبار السياق يكون المعنى ان يجمعكم يوم القيامة للحساب و الجزاء من عذاب او نعيم و لا يعجز الله حشركم و جمعكم فأنه يأتي بكم اينما تكونوا و اما باعتبار عموم اللفظ و كثرة مصاديقه فقد روى في تفسير البرهان نحو اثنتي عشر رواية عن الأئمة عليهم السلام انهم استشهدوا بالآية لجمع الله أصحاب الحجة المنتظر من اطراف الأرض الى النهوض مع الحجة عليه السلام. (بلاغى نجفى، ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۳۷)

#### اطيب البيان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۲۴۲

«وَلِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ اَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً اِنَّ اللهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۴۸)

و برای هر امتی قبله است که خداوند آنان را به طرف آن گردانیده یا برای هر گروهی روشی است که خود به خود به طرف آن روش می روند، پس نسبت به خوبی ها سبقت بگیرد و بشتابید هر کجا باشید خداوند همه شما را می آورد و جمع می کند خدا بر همه چیز تواناست.

«وَلِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا»: اکثر مفسران که ملاحظه نظم و سياق آیات را می کنند، این آیه را نیز از آیات قبله می دانند و چنین تفسیر می نمایند که وجهه به معنای ما یتوجه علیه یعنی قبله است و مرجع ضمیر «هو» خداست و مفاد آیه این است که هر امتی قبله دارد که خداوند آنان را به طرف آن گردانیده و به آن امر فرموده است. بنابراین نزاع و مشاجره در این باره را کوتاه نموده و به خوبی ها مبادرت کنید.

ولی ظاهر آیه این است که «وجهة» به معنای طریقه و مشی است و مرجع ضمیر «هو» لفظ کل است؛ یعنی هرکس دارای طریقه و مسلکی که او رو آورنده به آن روش و سیرکننده آن مسلک است و این آیه نظیر آیه شریفه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» است. در مجمع البحرین «شاکلته» را به معنای طریقه دانسته و در بعضی اخبار به نیت تفسیر شده؛ یعنی هرکس مطابق نیت و اندیشه خود کار می کند، چنان که در خبر وارد شده «انما الاعمال بالنیات» و این معنا با فاء تفریع در جمله «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» مناسبت دارد؛ زیرا خطاب به مسلمین است که چون هر کسی روشی را اتخاذ کرده، شما مبادرت به خیرات را پیشه و روش خود گردانید و این اشکال که «الخیرات» جمع محتمل به الف و لام و مفید عموم و شامل همه خوبی ها از واجبات و مستحبات می شود و امر در فاستبقوا ظاهر در وجوب است و وجوب استباق اولاً با استحباب سازش ندارد و ثانیاً استباق به جمیع مستحبات از وسع انسان خارج است مرتفع می شود به این که امر در فاستبقوا امر ارشادی است، نه مولوی؛ یعنی به حکم عقل بر انسان لازم است به خیرات بشتابد هر قدر که می تواند.

«أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»؛ ظاهر آیه اشاره به جمع کردن مردم در روز قیامت است، ولی در اخبار بسیار از ائمه اطهار این جمله به عنوان جمع کردن اصحاب خاص حضرت مهدی عجل الله فرجه از اطراف زمین برای قیام با آن حضرت تفسیر شده، چنان که از تفسیر عیاشی از حضرت صادق عجل الله فرجه روایت شده که فرمود:

نزلت هذه الآية في اصحاب القائم وانهم المفقدون من فرسهم ليلاً فيصبحون بمكة و بعضهم يسير في السحاب نهراً تعرف اسمه واسم ابیه و حلیته و نسبه.

و این معنا با عموم لفظ و کثرت مصادیق آن منافاتی ندارد.

در بعضی اخبار آمده است که مراد جمع شدن همه شیعیان حضور حضرت مهدی عجل الله فرجه است، چنان که از تفسیر عیاشی و در مجمع البیان از حضرت رضا عجل الله فرجه روایت کرده که فرمود:

ذلك و انه لو قام قائمنا يجمع الله جميع شيعتنا من جميع البلدان ان الله على كل شي قدير؛ (طیب، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۴۲)

خداوند بر جمع مردم برای حشر قیامت و بر جمع اصحاب مهدی نزد او به طرفه العین و بر هر چیزی قادر است.

### انوار التنزیل و اسرار التأویل

این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً ای فی ای موضع تکنونوا من موافق و مخالف مجتمع

الأجزاء و متفرقها يحشركم الله الى المحشر للجزاء او اينما تكونوا من اعماق الأرض و قتل  
الجبال يقبض ارواحكم او اينما تكونوا من الجهات المتقابلة يأت بكم الله جميعاً و يجعل  
صلواتكم كلها الى جهة واحدة. «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فيقدر على الامامة و الاحياء  
و الجمع. (بيضاوى، ۱۴۱۸)

اين مفسر سه معنا يا سه مصداق براى «أَيُّنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» آورده است و به  
اين شكل با توجه به معنای سوم به روايات نزديک می شود.

#### تفسير نمونه

ايشان معنای مورد نظر روايات را بطن آيه می دانند که ويژه پیامبر و امام و کسانی است که  
خدا بخواهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۰۱ - ۵۰۴).

#### الفرقان فى تفسير القرآن، بقرآن

در پایان گفت و گو از تفسير آيه می آورد:

و من مجالات خاصة لـ «يأت بكم الله جميعاً» حشراصحاب ألوية القائم المهدي من آل  
محمد ﷺ و هو من تأويل الآية فان تنزيلها هو الحشر العام ليوم القيام و من تأويلها هو  
الحشر الخاص ولا ينبك مثل خبير. (صادقى تهرانى، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۰۷)

#### روايات تفسيرى اين آيه مهدوى

در تفسير برهان در ذيل اين آيه مهدوى چهارده روايت آورده است که هر کدام اين آيه را درباره  
ياران حضرت مهدى ﷺ و اجتماع شان بر گرد وجود حضرت می داند و می فرمايد:

و هو قول الله عزوجل و يا ذلك قول الله عزوجل و يا و هي الآية التي قال الله و يا در روايتى  
آمده و هم يا جابر الآية التي ذكرها الله في كتابه.

بالا تر اين که در برخى روايات آمده: «و فيهم نزلت هذه الآية» و يا آمده: «نزلت فى القائم ﷺ و  
اصحابه» و يا می خوانيم: «لقد نزلت هذه الآية فى المفقودين من اصحاب القائم ﷺ» و در  
روايتى آمده: «و ذلك تأويل هذه الآية» که همه نشان گران است که آيه در مورد اصحاب  
حضرت مهدى ﷺ که به شيوه اى اعجاز گونه گرد هم می آيند و با امام ﷺ همراه می شوند تفسير  
شده است.

تأويل نیز معنایش آن است که اين مصداق از مصاديق آيه است که در آينده تحقق پيدا  
می کند. نزول هم دو گونه است: نزول تنزيلى و نزول تأويلى که در مورد هر دو نزول اطلاق

می‌شود؛ مصداق تنزیلی و مصداق تأویلی.

در هر صورت در تفسیر البرهان چهارده روایت و در تفسیر نورالثقلین شش روایت آمده است. البته این شش روایت هم در تفسیر البرهان هست، در نتیجه چهارده روایت مجموعاً در مورد تفسیر این آیه به یاران حضرت مهدی علیه السلام داریم گرچه با جست‌وجوی بیشتر حتماً بر این تعداد افزوده می‌شود.

شایسته است که متن این روایات تفسیری در تفاسیر روایی دیده شود. در پایان بحث، نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین محمد پیروزمند درباره آیه ششم از آیات مهدوی تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد:

#### ترجمه عمومی و آزاد از آیه مبارکه ۱۴۸ سوره بقره همراه با توضیح تلفیقی

این آیه مشتمل بر بیان چند جریان اجتماعی است و در عین حال جامعه ایده‌آل قرآنی انسانی را نیز مطرح می‌فرماید:

الف) و لكل وجهة: برای هر قومی و ملتی ایده و آرمانی است که «هو مولیها» که آن مجموعه قومی و ملی متوجه، و رو به سوی آن آرمان داشته و براساس آن ایده به تمامی خواسته‌ها و تحرکات جمعی خود جهت می‌دهند. راه و روش آنان در نهایت به تحقق همان ایده و آرمان منتهی شده و در عین رسیدن به اهداف اجتماعی، وحدت ملی و قومی خود را براساس آن ایده حفظ می‌کنند.

اما و اکنون بحث در این است که آیا صرف تحقق وحدت اجتماعی براساس یک ایده نتیجه‌اش تحقق جامعه مدنی و انسانی است. از نظر قرآن کریم تحقق یک ملت و قوم همراه با دستاویزهای مدنی و حفظ انسجام ملی، با تحصیل منافع و زندگی مرفه و گذار از سال‌های زندگی و حیات، کافی در تحقق یک جامعه ایده‌آل نیست. از این رو می‌فرماید: جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل انسانی است که به سوی خیر و ایده‌های پاک انسانی و الهی حرکت کند. از این رو می‌فرماید: «فاستبقوا الخیرات». اگر جامعه و قومی دارای ایده‌ها و آرمان‌های خیرخواهانه باشد، چنین جامعه‌ای همان جامعه ایده‌آل انسانی است، وگرنه اگر صرفاً به منافع ملی و قومی خود می‌اندیشد و اگرچه منافع سایر انسان‌ها را لگدکوب کند، چنین جامعه‌ای مقبول اراده الهی نیست.

ب) رکن جامعه ایده‌آل از نظر قرآن کریم امام عادل است. از این منظر شرط اول حاکم در

جامعه مدنی انسانی عدالت است و ظالمان حق حکومت ندارند؛ زیرا اگر ظلم از سرچشمه حکومتی خود تراوش نماید، به جامعه محدود حکومتی سرایت کرده و سپس به سایر حوزه‌های مدیریتی و حتی به سایر جوامع انسانی وارد خواهد شد. با وجود حاکم ظالم حرکت به سوی خیر ممکن نیست؛ زیرا حاکم ظالم صرفاً به دنبال منافع ملی و تحصیل و رضایت عمومی است، اگرچه آن منافع را از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تحصیل نماید، و اگرچه جامعه مصرف‌زده و مصرف‌گرا باشد.

جامعه مصرف‌گرا از گذار زندگی به جز بهره‌مندی از مواهب و امکانات مادی و طبیعی، اگرچه از راه‌های غیرمشروع هم کسب شوند، غرضی نداشته و حاکم غیرعادل هم که برای او حکومت هدف است و نه راه و وسیله، به جز تحصیل رضایت‌مندی جامعه تحت امر خود هدفی را دنبال نمی‌کند. بر این اساس است که در نظام حاکم در ایران قید اسلامیت به اطلاق جمهوریت اضافه شده است؛ زیرا صرف نظام جمهوری و دموکراتیک و وضع قوانین بر مبنای دموکراسی، مساوی با تحقق یک حکومت انسانی و عادل نیست، بلکه هر نظامی محتاج به یک ایدئولوژی عدالت‌آور است. عدالتی که برای همه انسان‌ها نویدبخش باشد.

ج) انسان‌ها با قومیت‌ها و ایده‌ها و حتی رنگ‌های مختلف، انشعابات جامعه بشری و اجتماعی را تشکیل می‌دهند و - همان‌طور که در قسمت الف گذشت - قومیت‌ها و ملیت‌ها با روش‌های مخصوص به خود به دنبال حفظ انسجام ملی و به دست آوردن منافع شخصی و گروهی خویش‌اند. البته این همه مقتضای طبیعت منفعت‌طلب و لذت‌جوی انسان است؛ زیرا انسان براساس طبیعتی که دارد لذت و منفعت خود را برای مفسده‌ای که متوجه دیگران می‌شود ترک نمی‌کند. بر این اساس است که نیاز به حکومت در تمام جوامع بشری به منظور بقای نظم و اصلاح جامعه از ضرورت‌های اولیه زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌آید و بر همین اساس است که مجموعه جهانی بشری نیز به نظمی جهانی احتیاج پیدا می‌کند.

حال اگر همه انسان‌ها وارد یک شاه‌راه الهی شوند آن‌گاه است که همه به سوی یک هدف و آرمان حرکت می‌کنند و در آن هنگام است که افراد انسانی به سوی خیر حرکت کرده، افعالی که از آن‌ها صادر می‌شود و حتی افکار و خواسته‌های درونی و قلبی آن‌ها تماماً خیرخواهانه خواهد بود در این فضای بزرگ خیرخواهانه است که همه به دنبال تقسیم عادلانه امکانات طبیعی برای تأمین نیازهای همه انسان‌ها حرکت خواهند نمود.

د) تحقق مدینه فاضله که ایده و خواست همه انسان‌هاست با توجه به وضعیتی که جامعه

بشری پیدا کرده به جز با دخالت یک نیروی معنوی برتر و مافوق میسر نخواهد بود و این حقیقتی آشکار است. پذیرش ایده‌های خیرخواهانه در یک تراز بلند و وسیع صرفاً با وجود رسالت پیامبران ممکن خواهد بود؛ زیرا انسان‌ها از پذیرفتن مکاتب انسانی طفره می‌روند و شما نمی‌توانید انسان غیرمافوقی را تعریف کنید که تمامی انسان‌ها به او گرایش پیدا نموده و مکتب و احکام او را بپذیرند، اما در فضای رسالت پیامبران و با وجود ظهور انسان مافوق، افواج عظیم انسانی ایده‌های بشری را زمین گذاشته و به ایده‌های الهی ایمان می‌آورند و بر این اساس است که جامعه انسانی با همه ملل و اقوامی که دارد و با همه اختلافاتی که دارند در مکتب انتظار مشترک بوده و با ظهور موعود «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا».

(ه) در سه آیه قبل - یعنی آیه ۱۴۵ - آمده است:

و اگر هر گونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله‌تو را پیروی نمی‌کنند، و تو [نیز] پیرو قبله‌ آنان نیستی، و خود آنان پیرو قبله‌ یکدیگر نیستند، و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده، اگر از هوس‌های ایشان پیروی کنی، در آن صورت جداً از ستمکاران خواهی بود.

حتی مسئله قبله در میان خودشان نیز اختلافی است. گروهی از آنان قبله‌ای را قبول دارند که قبله گروه دیگرشان نیست و در نتیجه هر کدام قبله یکدیگر را انکار می‌کنند.

#### انمام آیه

با توجه به این آیه که حتی در میان متدینان به ادیان و حیانی نیز اختلاف وجود داشته و هر کدام مسلک و راه دیگری را انکار می‌کند و نسبت به همه متدینان، کافرانی هستند که به هیچ دینی ملتزم نیستند، معنای این قسمت از آیه مورد بحث که می‌فرماید: «أَيَّنَ مَا تَكُونُوا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَشْكَارًا» آشکار می‌گردد و آن این است که در مجموعه جامعه بشری و حتی اهالی ادیان دارای کتاب اختلافات عقیدتی و عملی فراوانی وجود دارد و همان‌طور که گذشت، نتیجه این اختلاف ظهور ملت‌های گوناگونی است که در این فضای چند طیفی نظم جهانی مختل گشته و بی‌نظمی و هرج و مرج به صورت انواع جنایات و ظلم‌های بی‌شمار چهره زمین را فاسد کرده است. اکنون وقت آن رسیده که خداوند متعال با فرستادن ولی مقتدری همه انسان‌ها را از بند ملیت‌ها و قومیت‌ها و اعتقادات مختلف رها ساخته و همه را تحت یک پرچم و متدین به یک دین و متوجه به یک آرمان مقدس - که همان اجرایی شدن خیرات در روی زمین است - سوق دهد. با این توضیحات تأویل آیاتی نظیر «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ» آشکار می‌گردد؛ زیرا

اظهار و غلبه یافتن دین حق بر سایر ادیان هنوز اتفاق نیفتاده و وعده الهی این است که چنین حقیقتی محقق خواهد شد و حصول وعده الهی به دست ولی و حاکم خدایی ممکن خواهد بود و با این توضیحات تفسیر تأویلی حدیث شریفی که صاحب کافی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند به صورت واضح خودنمایی می کند و آن حدیث به نقل از تفسیر صافی این است:

وفي الكافي عن الباقر عليه السلام الخيرات الولاية.

از این جهت خیرات به ولایت تأویل گردیده که ولایت ولی خدا و وحی رسول رب العالمین سرچشمه همه نیکی هاست.

### نتیجه گیری

از جمله وظایف مهم و سنگین مؤسسات مهدوی پرداختن به روایات مهدوی است. باید از اعتبار این روایات دفاع کرد و در مقام تثبیت مفاد روشن آن ها کوشید. نباید به هر بهانه ای از این مجموعه کاسته شود و این مجموعه مورد بی مهری قرار گیرد. این میراث ارزشمند در اوج است و هیچ کجا و در هیچ موضوعی همپای آن یافت نمی شود.

مجموعه این روایات مهدوی باید مورد توجه قرار گیرد و ارائه گردد، به ویژه روایات تفسیری مهدوی که در ذیل آیات مهدوی آمده و در جهت تفسیر آیات مهدوی ما را راهنمایی می کند.

در این نوشتار، باز از دو آیه دیگر مهدوی در سایه روایات تفسیری آن یاد کرده ایم و روشنی تفسیر این دو آیه را با توجه به روایات تفسیری آن ارائه نموده ایم.

این مقالات قرآنی و روایی و ولایی قلمداد می شود و با توجه به این جهات ارزشمندترین مقالات خواهد بود. در انتظار نظریات و پیشنهادهای خوانندگان پژوهش گر هستیم.

## منابع

- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة - قم، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، بنیاد بعثت، چاپ اول.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۰ش)، *تطهیر یا جاری قرآن*، قم، لیلۃ القدر.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، پنجم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- فخر رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- کورانی عاملی، علی (۱۳۸۶ش)، *معجم احادیث الامام المهدي*، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول.